



اشاره: در ۲۹ خرداد ۷۹، در بخش انیمیشن دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، گفتگویی انجام دادیم با ولادیمیر ایلیچ تاراسف روسی، استاد مدعو انیمیشن، که مشروح آن از نظر خوانندگان عزیز مجله می‌گذرد.

آقای تاراسف، در ابتدا از شرکت شما در این گفتگو متشکریم و امیدواریم خاطرات خوشی را با خود از ایران به همراه ببرید. گفتگو را با این سؤال آغاز می‌کنیم که چطور شد که جنابعالی برای تدریس در دانشگاه تربیت مدرس دعوت شدید؟

■ تا آنجا که می‌دانم این کار به ابتکار سرپرستی دانشگاه تربیت مدرس انجام گرفت. در پی اقدام آقای سمعانیان، سرپرست دانشگاه، آقای دکتر ی که در سفارت ایران در روسیه کار می‌کنند، با من ارتباط برقرار کردند و مرا برای تدریس در ایران دعوت نمودند. برایم خیلی جالب بود که به ایران بیایم، زیرا سه سال اخیر را در هندوستان بودم. چون آنجا با دانشجویان هندی سروکار داشتم، دلم می‌خواست در ایران هم باشم و با دانشجویان ایرانی نیز آشنا شوم. در هنر، دانشکده‌ای برای تدریس انیمیشن به نام «ریکا» تأسیس شده است. به هرحال، ایران کشور بزرگی است، با یک فرهنگ غنی. ما همه با مینیاتورهای ایران آشنا هستیم. برایم جالب بود که به اینجا بیایم و کشور شما را ببینم. زمانی هم انیمیشن ایران جزء انیمیشن‌های جالب دنیا بوده و افرادی مثل آقایان زرین کلک و صادقی از کسانی هستند که من از آشنایان با آن‌ها بسیار خوشحالم. می‌دانم که آن‌ها از دانش خوبی برخوردارند. متأسفانه آقای زرین کلک الان یک مقداری از انیمیشن دور شده‌اند، ولی من در کارگاه ایشان بوده‌ام و نقاشی‌های ایشان را دیده‌ام.

آس‌طخ انیمیشن را در ایران چگونه می‌بینید و دانشجویان و نوآموزان دانشکده را در چه حد ارزیابی می‌کنید؟

■ تا آنجایی که می‌دانم، ایران برای خودش پایه‌هایی برای انیمیشن داشته و آن طوری که می‌بینم انیمیشن در اینجا جنبه تجاری پیدا کرده است، البته قبول دارم که این وضعیت طبیعی است



و عجیب و غریب هم نیست. من از چند استودیو انیمیشن مانند «صبا» که استودیوی بزرگ و جالبی است، دیدن کرده‌ام و به استودیوهای کوچکی نیز رفته‌ام. کار آقای رازانی را دیده‌ام که در زمینه انیمیشن عروسکی کار می‌کند اکنون حدود شش ماه است که با دانشجویان ایرانی کار کرده‌ام و آن‌ها را خیلی با استعداد دیده‌ام، چه دانشجویان پسر و چه دانشجویان دختر. در روسیه، ما یک سیستم خاص برای تربیت انیماتور داریم. این تجربه تربیت کادر انیماتور را در کشورهای زیرنظر روسیه قبل از فروپاشی نیز داشته‌ایم. مثلاً انیماتورهای برجسته کشورهای ارمنستان، ازبکستان و گرجستان تماماً طبق سیستم ما در روسیه تربیت شده‌اند و در استودیو-سوز SOUZ MULTIFILM MOS "1936" آموزش دیده‌اند.

هدهم در این دانشگاه این است که سیستم خودمان را در مورد انیمیشن پیاده کنیم. البته کسانی هستند که می‌گویند ساخت فیلم انیمیشن کار ساده‌ای است، در صورتی که چنین چیزی نیست. در این

شش ماهی که با دانشجویان کار کرده‌ام، توانسته‌ایم اول قدم‌ها را در انیمیشن برداریم. این روش آموزشی که من در اینجا در پیش گرفته‌ام، در کشورم حدود ۲ تا ۲/۵ سال طول می‌کشد. البته دانشجویان هر کدام برای خودشان یک سبک و روشی دارند. دانشجویان بسیار بااستعدادی داریم که کارشان فوق‌العاده جالب است. خیلی خوشحالم که در میان این دانشجویان هستم. ما حتی کسانی را داریم که کار کاریکاتور انجام می‌دهند. بعضی از آن‌ها جوان هستند. شیدخت و صبا از بهترین دانشجویان من هستند. روشن است که پایه انیمیشن کاریکاتور است.

آقای گفتید که به طور معمول آموزش انیمیشن در استودیوی مورد نظر شما در روسیه ۲ تا ۲/۵ سال طول می‌کشد. ممکن است بفرمایید که سرفصل‌های این دوره آموزشی شامل چه موضوعاتی است؟

■ پنج موضوعی را که من از دانشجویان امتحان گرفته‌ام، برای شما نام می‌برم. قبل از هر چیز من از آنها امتحان پانتومیم می‌گیرم. نقاشان انیماتور در درجه اول هنرپیشه هستند. بنابراین، ما در ابتدا به این‌ها یاد می‌دهیم که پانتومیم بسازند. بنابراین، چون یکی از کارهای انیماتور نقاشی است، باید جلوی آینه می‌نشستند و نقاشی را شروع می‌کردند. موضوع دوم امتحان کشیدن طرح‌هایی بود که باید می‌کشیدند و تحویل می‌دادند. موضوع سوم تهیه استوری بورد بود که انجام آن با کاریکاتور مرتبط است. استوری بوردی که بچه‌ها تهیه می‌کنند، لازم‌اش حرکت است. موضوع چهارم امتحان حرکت‌های مکانیکی برای شخصیت‌های استوری بورد بوده است.

در این شش ماهی که در اینجا بوده‌ام، ۱۲ تمرین حرکتی به بچه‌ها داده‌ام که باید آن‌ها را می‌کشیدند و فیلمش را هم می‌ساختند.

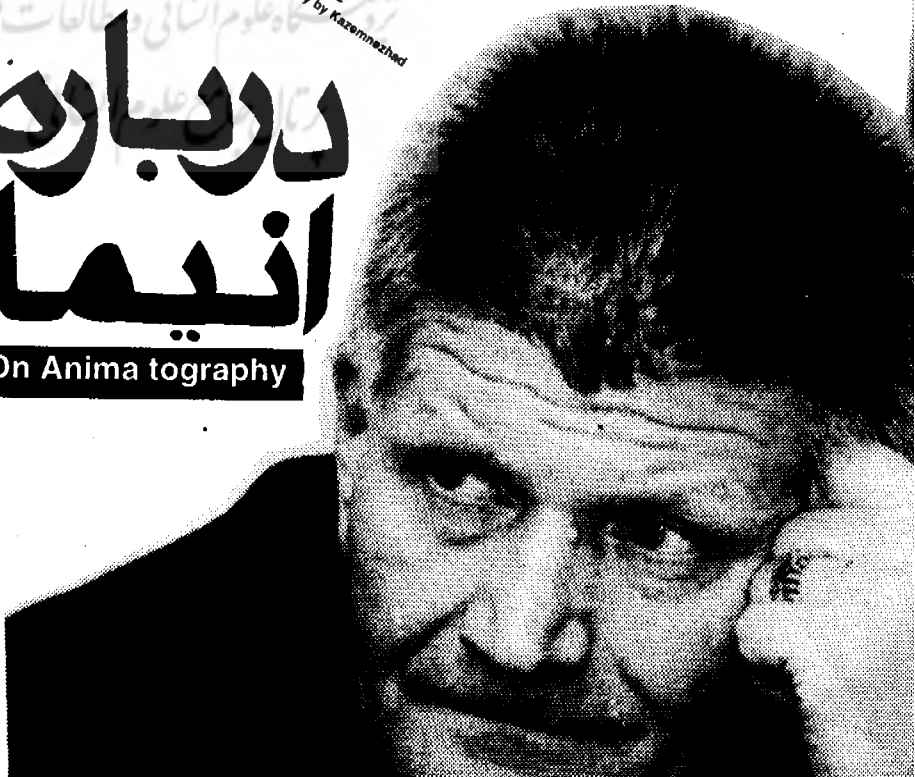
آخرین بخش امتحانم مربوط به طرح مباحث تئوری بود، مانند اینکه: انیمیشن چیست و مطالبی درباره سبک‌های مختلفی آن در جهان و غیره. البته همانطور که قبلاً گفتم، این کام اول است و به تدریج

عکس از کاظم نژاد  
Photography by Kazemnezhad



# درباره گرافیک انیماتورگرافی

On Anima tography





تاتارسکی در مسکو استودیویی به نام «خبرها» دارد که فیلم هایش را در آنجا با خمیر می‌سازد. او دوست من است. اصلا او کراینی و اهل «کیف» است. ولی این اواخر در مسکو کار می‌کند.

□ یادم هست وقتی از بعضی کسانی که زمانی انیمیشن کار می‌کردند، می‌پرسیدم که چرا دیگر انیمیشن کار نمی‌کنند، جواب می‌دادند که چون وضعیت اقتصادی در روسیه خوب نیست، آن‌ها به کارهای دیگری از جمله کشیدن کاریکاتور می‌پردازند. آیا این واقعیت دارد، و دیگر این که چرا هنرمندان روسیه و کلا بلوک شرق در زمینه انیمیشن کم‌تر کار خلاقه انجام می‌دهند؟

■ شما می‌دانید که پروستاریکا هنوز در روسیه در جریان است. در واقع یعنی رژیم رفته و یک رژیم دیگری آمده است. وقتی که سوسیالیسم در کشور ما بود، تمام مخارج از طریق دولت تامین می‌شد. مثلا در گذشته دولت سرمایه ۲۰ فیلم را برای ساخت تامین می‌کرد ولی الان تنها برای ۵ تا ۶ سرمایه‌گذاری می‌کند. خوب بقیه هنرمندان بالاخره باید کاری بکنند. با این حساب خیلی از آنها بی‌روند. البته عکس این قضیه هم صادق است. شما سرگئی تونین را می‌بینید که حالا انیمیشن کار می‌کند و یا ویتاری پیسکف که برای من کار می‌کرد. من او را از کاریکاتور به انیمیشن آوردم.

□ سال گذشته آقای تونین یکی از داوران خارجی دوساله کاریکاتور ایران بود.

■ بله، من به این دانشکده که آدمم، فهمیدم. به هر حال تغییرات به وجود آمده در زندگی اجتماعی باعث به وجود آمدن این شرایط می‌شود.

### Alexander Tatarsky



□ ولی در حال حاضر این برادر بزرگتر به لحاظ آثار هنری وضعیت چندان خوبی ندارد و به سوی بازاری شدن و کاهش جلوه‌های هنری پیش می‌رود. نظر شما در این مورد چیست؟

■ من گرایش به این نوع انیمیشن را در ایران نیز دیده‌ام. البته در دنیای استودیوهای هستند که به خلاقیت در هنر انیمیشن نظر دارند، مانند مرکزی که در کانادا است و هنرمندان بالاستعداد را از تمام دنیا برای کار دعوت می‌کند، از جمله الکساندر پتروف. کارگردان هموطن من که به کانادا دعوت شد و فیلمش هم اسکار گرفت. او به تازگی از انسی نیز جایزه گرفته است. فیلم او اقتباسی است از «پیرمرد و دریا» همینگوی. من مجله شما را ورق زده‌ام، دیده‌ام که درباره انیمیشن هم مطالب و تصاویری دارد، چیزی که در ایران کمتر دیده‌ام.

□ به نظر شما یک انیمیشن خلاقه و هنرمندانه چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

■ من به این سؤال نمی‌توانم جواب بدهم، چون خلاقیت را نمی‌توانم در یک قاب بگذارم و برای آن چهارچوبی تعیین کنم. اگر اینطوری بود، همه می‌توانستند براساس این فرمول بهترین فیلم‌ها را بسازند. این یک استعداد و توان خدادادی است.

□ بیشتر منظورم این است که به هر حال، در جامعه ما و خیلی جاهای دیگر، وقتی صحبت از انیمیشن می‌شود، ذهن‌ها می‌رود دنبال کارهای والت دیسنی. بخصوص کارهایی که اخیراً به کمک کامپیوتر انجام داده است. آیا می‌شود این نوع کارها را در قالب‌های تجاری یا هنری تقسیم بندی کرد؟

■ البته من این را به شما بگویم که والت دیسنی یک شرکت انیماتوری بسیار قوی است. سال آینده صدمین سال تولد والت دیسنی است. فکر می‌کنم در تمام دنیا این روز را جشن بگیرند. به هر حال، سال‌های زیادی است که انیماتورهای جهان از سبک‌های دیسنی پیروی کرده‌اند. عقیده شخصی من این است که ارتباط ما با والت دیسنی نوعی ارتباط دایره‌المعارفی است، به طوری که اگر مطلبی برای ما نامفهوم باشد، به این دایره‌المعارف مراجعه می‌کنیم و نکات مورد نظرمان را در می‌یابیم. من کار دیسنی را در سطح بالایی می‌بینم. دیسنی کسی است که مکتب انیمیشن آمریکا را به وجود آورده است. اما به هر حال هر انیماتوری می‌تواند از نظر روش کار، برای خودش سبکی داشته باشد.

از کارهای ساده به مشکل می‌رویم. مباحثی مانند صداگذاری، سبک‌های تصویری، سناریوهای انیمیشنی و اینکه وظیفه کارگردان چیست و منتاز چیست همه مسائلی است که باید به آنها بپردازیم. ما انیمیشن را از سینما جدا می‌دانیم، چون یک نوع هنر مجزاست و تعریفش نیز با دیگر هنرها فرق دارد.

□ آیا اینکه می‌گویید انیمیشن یک هنر مستقل از سینماست نظر شخصی شماست یا اینکه این تفکر در دنیا درباره انیمیشن وجود دارد؟

■ من اتفاقاً همین موضوع را می‌خواستم ادامه بدهم. هم اکنون در انیمیشن به جای «سینما توگرافی» از واژه جدید «انیماتوگرافی» استفاده می‌شود. این تنها عقیده من نیست، بلکه تفکری است که در سطح جهان مورد قبول است. زیرا انیمیشن تأثیر مستقیم و چند جانبه‌ای دارد. قبل از هر چیز تربیت کودکان است که ما بچه‌ها را به وسیله انیمیشن از کوچکی با دنیای خوب و بد و رنگ و حرکت آشنا می‌کنیم. در مرحله بعد، جنبه آموزشی آن است به این دلیل که ما به همین بچه‌های کوچک از طریق انیمیشن می‌توانیم مثلاً ریاضیات، الفبا و غیره را آموزش دهیم و با کمک بازی‌های کامپیوتری چیزهای زیادی را به آن‌ها منتقل کنیم. انیمیشن از جهت هنر، و تفریح نیز اهمیت دارد، یکی از مثال‌هایی که می‌توانیم در این زمینه بزنیم «دیسنی‌لند»‌هایی است که دو تا در آمریکا، یکی در فرانسه و یکی در ژاپن است و بزودی هم یکی در مسکو ساخته خواهد شد.

□ ظاهراً در کیش هم مشغول ساخت یک دیسنی‌لند هستند!

■ دیسنی‌لند به بچه‌های کوچک کمک می‌کند تا معلومات جهانی‌شان را افزایش بدهند. از سوی دیگر، در بسیاری از فیلم‌های مطرح به گونه‌ای از انیمیشن هم استفاده می‌شود حتی در فیلمی مثل «تایتانیک».

□ در جلوه‌های ویژه‌اش.

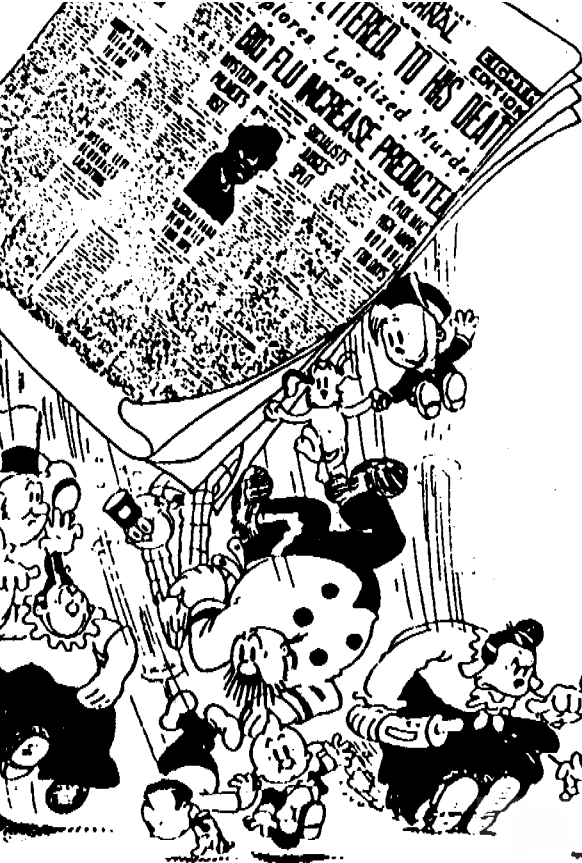
■ بله، برای جذب مخاطبان کودک و نوجوان. در



تجارت نیز انیمیشن نقش دارد. به طور مثال، از روی شخصیت‌های انیمیشن عروسک درست می‌کنند و یا لباس‌هایی با تصاویر آن‌ها را برای بچه‌ها تولید می‌کنند و غیره. بنابراین، انیمیشن هنری است مجزاً از هنرهای دیگر. تازه تاریخ انیمیشن ۱۰ سال جلوتر از سینماتوگرافی است. اگر آغاز سینماتوگرافی را ۱۸۹۵ بدانیم سال تولد انیمیشن ۱۸۸۵ بوده است.

□ چه کسی آن را ابداع کرد؟

■ شخصی به نام امیل رینو از اهالی فرانسه که در آن موقع به آن «تئاتر بصری» می‌گفتند. سینماتوگرافی را برادر کوچک انیماتوگرافی می‌دانند.



walter lantz, publicité pour le "goldwyn-bray comic" 1920



New fangled



WALTER LANTZ

■ در هندوستان قبل از این که من به آنجا بروم، اصلا مرکزی در زمینه انیمیشن وجود نداشت. فقط یک نفر بود به نام ایشوپاتلا که فیلمی داشت که فکر می‌کنم در انسی جایزه گرفت. من از وسائل اولیه، یعنی میزهای انیمیشن شروع کردم. من از طرف یک شرکت خصوصی دعوت شده بودم. این شرکت کارهای تجاری داشت. آن‌ها ماهواره و کسانال تلویزیونی داشتند. صاحب این شرکت که سرمایه دار بزرگی بود در مسکو با فیلم‌های من آشنا شده و خوشش آمده بود. در آنجا از نظر وسایل کامپیوتری هیچ کمبودی نداشتیم و او همه چیز را در اختیارمان گذاشت. اصولا دانشجویان اینجا و آنجا فرقی ندارند. در آنجا آدم‌های با استعداد بود، در اینجا هم هست. ولی الان تکنیک در انیمیشن نقش مهمی دارد. به ویژه اینکه الان در ساخت انیمیشن با کامپیوتر بیشتر سر و کار داریم. اما در اینجا موقع امتحان بعضی از بچه‌ها نمی‌توانستند فیلمشان را به موقع بدهند، به دلیل کمبود وسائل، فرقی در این است. دانشگاه «زیک» در حیدرآباد بود ولی سرپرستی آن در بمبئی قرار داشت. در این سه سالی که در هندوستان بودیم، ۸۰ نفر را تربیت کردیم. البته دو تا دستیار هم داشتیم و استادان هندی هم بودند که موسیقی و یا دیگر مسائل جنبی را تدریس می‌کردند. من خیلی خوشحال هستم که در این جا هم این مسئله دارد حل می‌شود که من بتوانم دستیار و کمک با خودم بیاورم.

البته باید آدم با تجربه‌ای را انتخاب کنم و بیاورم.  
 □ اگر تصورم درباره انیمیشن روز دنیا درست باشد، انیمیشن‌های هنری هنوز جایگاهی در انیمیشن بین‌المللی دارند. وضعیت این انیمیشن در دنیا به چه گونه‌ای است، یعنی تفاوت انیمیشن‌های تجاری

■ من کار مهمی در هندوستان انجام دادم. با توجه به ملیت‌ها و زبان‌های گوناگونی که در هندوستان بود، من در آنجا دانشجویان را براساس این سیستم انتخاب کردم. به آن‌ها گفتم ما یک زبان داریم که نه روسی، نه فارسی، نه هندی، بلکه فقط زبان انیمیشن است. من در اصل این سیستم را ترویج کردم. در روسیه در زمان حکومت سوسیالیستی آموزش مجانی بود و حتی دانشجویان کمک هزینه هم می‌گرفتند. متأسفانه الان دیگر مجانی نیست. کسانکی که از آن مراکز فارغ‌التحصیل می‌شوند، مدارکشان مورد تایید وزارت علوم روسیه یا کشورهای استفاده‌کننده از این سیستم هست یا نه؟  
 □ البته، وزارت علوم روسیه آن را قبول می‌کند.  
 □ آیا اعزام دانشجوی ایرانی برای فرا گرفتن انیمیشن به روسیه بهتر است یا دعوت استاد به ایران برای تدریس؟  
 □ من اینجا را توصیه می‌کنم به دلیل اینکه کسانکی برای تدریس در این دوره‌ها می‌آیند که خیلی معلوماتشان بیشتر است. آنجا انیماتور تربیت نمی‌کنند. انیماتورها در استودیوها تربیت می‌شوند.  
 □ ظاهرا شما سه سال در هندوستان تدریس کرده‌اید و ۶ ماه است که در ایران مشغول به تدریس هستید، چه تفاوت‌هایی میان وضعیت انیمیشن در ایران و هندوستان می‌بینید؟

□ البته روسیه در تولید فیلم انیمیشن سابقه خوبی دارد، آیا می‌شود در روسیه یا در ایران فیلم انیمیشن تولید کرد و در بازارهای جهانی فروخت.  
 □ البته که می‌شود. ما در ایران آدم‌های بااستعدادی داریم. من بیشتر نظرم درباره دانشجویان است. قصد دارم از این دانشجویان با استعداد یک گروه تشکیل بدهم که در یک استودیو با توجه به فرهنگ غنی شما کارهایی را انجام دهند. باید آموزش سیستماتیک باشد، یعنی براساس آموزش سیستماتیک این نتایج به دست می‌آید.  
 □ به نظرم گزینش دانشجوی انیمیشن در ایران به شیوه درستی انجام نمی‌گیرد. دلیلش این است که ما آدم‌های بااستعدادی داریم که با انبوه کارهایشان در حوزه کاریکاتور آشنا هستیم ولی چون مدارکشان مورد پذیرش نیست، نمی‌توانند بیایند و انیمیشن بخوانند.  
 این جای تأسف دارد زیرا از هنرمند کسی مدرک یا چیز دیگری نمی‌خواهند.  
 □ من می‌خواستم در مورد اشتباه بودن این سیستم یک گواهی وجود داشته است.  
 □ من خیلی خوشحال خواهم شد اگر بتوانم به بچه‌های با استعداد کمک کنم. پذیرش دانشجویان برای این رشته باید با یک سیستم ویژه صورت بگیرد. قبل از همه چیز باید یک آگهی داد که دانشکده‌ای هست که برای انیمیشن دانشجویان می‌پذیرد. این، هیچ نوع ارتباطی به آن ندارد که داوطلب چقدر درس خوانده و چه مدرکی دارد. تنها محدودیت سنی باید باشد. مثلا بیشتر از ۲۵ سال نباشند. بعد لازم است با هر داوطلب مصاحبه اختصاصی شود و استعداد سنجی کرد.  
 □ آیا چنین سیستمی در کشورهایی مثل هندوستان که شما در آنجا بوده‌اید و یا در روسیه و بلوک شرق پیاده شده است؟





و هنری در چیست؟  
 معمولاً استودیوهایی که کارشان انیمیشن تجارتنی است، یکی دو تا کار را هم برای جشنواره های هنری می سازند به دلیل اینکه اگر یک فیلمشان برای جشنواره انتخاب شود، همین سبب شهرت و شخصیت برای کارشان می شود. فیلمی که نامزد اسکار می شود، یک موقعیت خوب برای استودیوی سازنده ایجاد می کند. برای همین هم من به دانشجویان توصیه کرده ام که پس از پایان دوره یک فیلم مشترک درست کنیم که به امید خدا در

این فیلم ها را در اینجا به دانشجویان نشان می دهم. من در مسکو به دنیا آمده ام و متولد ۱۹۳۹ هستم. روسیه در سال ۱۹۴۱ وارد جنگ شد.  
 □ آقای تاراسف، برای این گفتگو از شما متشکریم. در پایان اگر مطلبی دارید، بفرمایید.  
 ■ اولاً، باید بگویم «کیهان کاریکاتور» مجله خوبی است، از این نظر که حرفه ای عمل می کند. من خودم در دانشگاه «پلی گرافیک» خوانده ام و با انواع ماکت های مطبوعاتی آشنا هستم. دیدم که مجله شما خیلی خوب تهیه شده است. همچنین برایم خیلی

مطالبی را چاپ کرده اید. این مسئله خیلی با ارزشی است چون کاریکاتور و انیمیشن با هم کاملاً در ارتباط هستند. در ایتالیا، نمایشگاهی است که کاریکاتور، انیمیشن و تصویرسازی کتاب در کنار هم ارائه می شوند. برای شما و دست اندرکاران مجله و نیز کاریکاتوریست های ایرانی آرزوی سلامتی و موفقیت دارم. فانی یادآوری کنم که آموزش دانشجویان برای شما صرف دارد و می توانید بر استعداد و دانش آن ها برنامه های گوناگون تلویزیونی را برای بچه ها و بزرگ ترها تولید کنید. می شود استودیویی تأسیس کرد که این دانشجویان خودشان کار کنند و بعد آنجا را توسعه بدهید. در این زمینه هر مقدار که سرمایه گذاری کنید، سرمایه تان با سودش برمی گردد. شما به جای «دیسنی لند» های خارجی می توانید یک دیسنی لند برای خودتان در اینجا بسازید.  
 □ امیدواریم شرایط به گونه ای باشد که بعد از سفر به کشورتان دوباره به ایران برگردید و بتوانیم همدیگر را دیدار کنیم.  
 با تشکر از سرکار خانم فرح انگیز مرادنژاد تبریزی که زحمت ترجمه این گفتگو را تقبل کردند.



doug the monster

فهرست فیلم های نامزد اسکار قرار بگیرد، بنابراین، یک موضوع مهم و ارزشمند را پیش روی این جوانان قرار می دهم تا خودشان را متناسب با آن رشد دهند و بالا بکشند. ممکن است که واقعا بتوانند کاری انجام بدهند و موفق شوند.  
 □ لطفاً کمی درباره خودتان بگویید.

من از ۱۹۵۷ که نوجوان بودم، تاکنون در «ساید ساتفلد» فعالیت می کنم و تمام مراحل را در آنجا گذرانده ام. و اگر تعریف نباشد، از کارگردان های مطرح و نیز از اعضای «آسیفا» هم هستم. ما در رشته انیمیشن عناوین خاص هنری داریم که من در حال گذراندن دوره هنرمند درجه یک هستم. زمانی این عناوین را به افراد می دهند که فیلم هایی ساخته باشند که جوایزی از جشنواره های بین المللی گرفته باشند. تنها من نیستم که این عنوان را دارم، بلکه آقای یوری نژده که در مجله تان هم درباره اش نوشته اید، نیز این عنوان را دارد. من تاکنون ۵۰ فیلم ساخته ام، هم برای کودکان و هم برای بزرگسالان و جایزه های بین المللی متعددی در جشنواره ها گرفته ام، در فرانسه، آلمان، آمریکا، یوگسلاوی، لهستان و غیره.

جالب است که در این مجله علاوه بر آثار داخلی، کارهای هنرمندان کشورهای دیگر نیز چاپ می شود. این امر دید خوانندگان شما را وسیع می کند. خیلی خوشحال هم هستم که در مجله از انیمیشن گفته اید و از آقای زرین کلک و دیگران هم



Jonas and Lisa  
 Director: Zabelle Côté, Daniel Schorr

